

حاجی میرزا حسن رشیدی فرزند آخوند ملامهدی تبریزی در پنجم رمضان ۱۲۶۷ ق در تبریز زاده شد. وی که «ابتدا در تبریز و سپس در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه مدرسه ابتدایی به سبک جدید در سنه ۱۳۱۵ قمری در طهران تأسیس نمود و چون کلمه رشیدی در اصطلاح عثمانیان آن وقت به معنی مدرسه ابتدایی بوده است، لهذا مرحوم حاجی میرزا حسن به این اسم معروف شد.»^۱

او را به حق پیر معارف و پدر مدرسه نوین لقب داده‌اند. رشیدی در پنج سالگی به مکتب خانه رفت و در آنجا بر همه شاگردان برتری یافت. «شیخ مکتب‌دار تا چه پایه سواد داشت خدا می‌داند. اما بسیار بی‌رحم بود و طفلان را سخت می‌آزرد و بی‌محابا می‌زد. رشیدی دریافته بود، که شاگرد بیچاره درس را نفهمیده است یا آخوند نتوانسته است بفهماند، جوش بچه‌ها را می‌خورد و حقیقتش این است که این آخوند راه یاد دادن را به دست نیاورده است تا طفل را رهبری کند. از این رو، شاگرد و آخوند هر دو در عذاب بودند و بچه‌ها به زور رونویسی بی‌حساب و تمرین و مداومت فراوان و حفظ نقش کلمات، بعد از مدتها توفیق خواندن و نوشتن را پیدا می‌کردند. این موضوع از همان اول توجه رشیدی را جلب کرده، دریافت که همه

عیبها از اصول تعلیم یا بدی راه آموزش است. در رفع این نقیضه آنچه به نظرش می‌رسید و به فکرش می‌آمد عمل می‌کرد و سخت می‌کوشید اما تنها استعداد خدادادی کافی نبود تجربه و آزمایشهای فراوان لازم داشت...»^۱

به هر تقدیر، حاج میرزا حسن صرف و نحو را پیش پدرش آموخت، اما کتاب‌های الفیه، صمدیه، انموذج و صاف و حتی علم فقه را پیش علما و فضلاء آن عصر فرا گرفت. آشنایی میرزا حسن با روزنامه‌های حبل‌المتین، اختر و ثریا تأثیر بسزایی در افکار او گذاشت. چنان‌که در کفایة‌التعلیم در این باب می‌نویسد که روزنامه ثریا بسی تاریکی‌ها را روشن کرد. در سال ۱۲۹۸ ق، در دارالمعلمین بیروت به تحصیل پرداخت و شیوه‌های جدید آموزش القبا را آموخت. دو سال سرگرم این کار بود، در اوایل سال ۱۳۰۰ ق از راه استانبول وارد ایران شد. اوضاع آشفته آن ایام سبب شد که به ایروان برود و در آنجا به یاری حاج آخوند برادر مادرش برای ایرانیان اولین مدرسه را تأسیس کرد. رشدیه که زبان فرانسه را در بیروت آموخته بود، در ایروان با همیاری «تقی اوف» در این مکتب نویناد درس داد. زمانی که ناصرالدین شاه قاجار از سفر فرنگستان برمی‌گشت در ایروان پس از بازدید از مدرسه رشدیه دستور انحلال مدرسه و توقیف اثاثیه آن را داد. شمس‌الدین رشدیه در باب این واقعه چنین می‌نویسد... روزهای چندی گذشت تا شاه به تهران رسید. رشدیه هم مرخص شده به ایروان بازگشت. چه ایروانی؟ مدرسه منحل، اثاثیه توقیف، در مدرسه به مهر کارگذار ایران مهر و موم شده بود. ناچار رشدیه ترک ایروان کرده به ایران آمد.^۲

رشدیه پس از ورود به ایران مقدمات تأسیس مدرسه رشدیه را در تبریز فراهم آورد. در این مدرسه با موفقیت کار می‌کرد که فردای روز امتحان رئیس‌السادات دستور بستن مدرسه را صادر و رشدیه را تکفیر کرد. رشدیه شبانه به مشهد گریخت و شش ماه بعد، یعنی پس از مرگ رئیس‌السادات به تبریز بازگشت. مخالفت قشری مذهبیان و خشک‌اندیشان و مستشرقان بارها و بارها سبب شد که وی به مشهد فرار کند. دشمنی اتابک و انحلال انجمن امنای مدرسه رشدیه و نیز خصومت عین‌الدوله با رشدیه و تبعید وی به کلات از دیگر سوانح مهم زندگانی وی به شمار می‌آید. انتشار روزنامه مکتب و روزنامه طهران، همکاری وی با روزنامه غیرت که از سوی انجمن سزای بر ضد امین‌السلطان منتشر می‌شد و نیز حمایت حاج شیخ هادی نجم‌آبادی از او را هم باید بر حوادث و فعالیت‌های وی بیفزاییم.

۱. شمس‌الدین رشدیه، سوانح عمر، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲، ص ۱۶.

۲. سوانح عمر، ص ۲۵.



مدرسه رشدیه و اعدادیه طهران

روز ۲۴ رمضان ۱۳۲۹

بسم الله الرحمن الرحيم

چمن

اگر سرب بلبلین و صلبه عنینا هر دو الی الطهرین و العینه
فبعد اعوذ بالله من الشیطان الرجیم قرآنم ناله ملک تقطیر ملک
و ترغ ملک فرقت و تغز فرقت و نزل فرقت بیدار کن فرقت
کدر شی قذیر

ثم لیعد کبیر یاریون حضرت اقصی معروض می دارد اقا سید بنام نیر علی
باز فهم بیت در تقصیر رحمت مقصود آنحضرت جبر کندی برابر خود
بانی نگه داشته ام که یگانه استوانم تقدیر کهم خود را جمع بنام نیر علی
عرض میکنم که اینک با هیچ مدخلی برابر خوانم که هزار و هفتاد و سه
حضرتهای بی نظیر در برابر با اختیار و مصلحت با شمار فرماید که مردم
کمتر خود را جز در آن درگاه نیابند و ما نسخ بشهرت خود ایم
انظار خود را در جلال عدل و اعتدال حرکت زاره از شکر خود تمیز
عدل و ظلم بدینیم بی شود که علی ظلم را عدل می بینیم و علی را
ظلم پس میزان و مقیاسی لازم است که با آن تقیاس می توانم خود را
منوع خط و لغزش نموده ایم و آن میزان سیم و آن خط سیم و آن مقیاس
شرف نبوت نیست و بهترین آنکه سبک در این سبک بفرز قدم نهاد
کار هر قدم نیست سر صد را کف دستها و شمار کف دستها
و عوت آموزه عرضیه مرا ختم میکنم و بسندم علیا و قهرم
سید جوهر خیم اعجاز یافته



● احمد شاه قاجار

رشدیه اصول فصاحت و بلاغت و کلاً علم و ادب را به شیوه جدیدی تعلیم می داد و اعتنایی به سبک و شیوه مکتب خانه ها نداشت. در باب نوآوری های وی در قلمرو تعلیم و تربیت می توان به موارد ذیل اشاره کرد: الف) دگرگونی در شیوه آموزشی؛ ب) دگرگونی در محتوا؛ ج) تنظیم برنامه های درسی؛ ج) امتحان یا ارزشیابی تحصیلی؛ د) تنظیم نظامنامه^۱. و اما می ماند آثار رشدیه که عبارت اند از: ۱) *بداية التعليم*؛ ۲) *صد درس اعلى*؛ ۳) *شرعیات ابتدایی*؛ ۴) *کفایة التعليم*؛ ۵) *نهایة التعليم* (نحو فارسی)؛ ۶) *صرف فارسی*؛ ۷) *تربیت البنات*؛ ۸) *تأدیپ البنات*؛ ۹) *اخلاف* (۶ جلد)؛ ۱۰) *اصول عقاید*؛ ۱۱) *هدایة التعليم*؛ ۱۲) *تبصرة الصبیان* (حساب ذهنی).

رشدیه به سال ۱۳۶۳ ق برابر با ۲۱ آذر ماه ۱۳۲۳ ش، در قم دیده از جهان فروبست و در قبرستان حاج شیخ عبدالکریم به خاک سپرده شد.

اما در باب این نامه، از قراین پیداست که وی آن را به احمد شاه نوشته است. مکتوب حاضر گویاتر از آن است که بتوان بر آن شرح و تفسیری نگاشت. درست است که رشدیه این نامه را به احمدشاه نوشته است، اما آن را می توان زبان حال کسانی دانست که همواره در راه شکوفایی

۱. رک. اقبال قاسمی، پویا، مدارس جدید در دوره قاجاریه، بانیان و پیشروان، تهران، مرکز نشر



● حاجی میرزا حسن رشديه

فرهنگ و استقرار عدالت اجتماعی حرکت‌های سنجشگرانه انجام داده‌اند. اگرچه آنان همیشه در مظان خطرهای هولناک بوده‌اند، اما فی الواقع به قول یکی از نویسندگان، آنان هنرمندانی واقعی‌اند که هرگز نمی‌کوشند تا عکس برگردانی مبتذل از حیات را فرار روی ما قرار دهند، بلکه جهد می‌کنند تا چنان چشم‌اندازی از آن در اختیار ما بگذارند که حتی از خود واقعیت حیات هم پریارتر و زنده‌تر و واقعی‌تر باشد و اما متن نامه:

بسم الله الرحمن الرحيم

مورخه ۲۴ رمضان ۱۳۲۹

الحمد لله رب العالمين و الصلوة على نبينا محمد واله الطاهرين و لعنته على اعدائهم

اجمعين

فبعد. اغوذ بالله من الشيطان الرجيم

«قل اللهم مالك الملك توتى الملك من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء و تعز من تشاء و تؤذل

من تشاء بيدك الخير انك على كل شى قدير»^۱

۱. آل عمران آیه ۲۶: بگو! بار خدایا تویی دارنده ملک، به هر که بخواهی ملک می‌دهی و از هر که بخواهی ملک می‌ستانی، هر کس را که بخواهی عزت می‌دهی و هر کس را که بخواهی ذلت می‌دهی، همه

ثم البعد به حضور همایون اقدس معروض می‌دارد، اوقاتی که زبانم به مداحی آن حضرت باز بوده است، در تقدیس ساحت مقدس آن حضرت جای تکذیبی برای خود باقی نگذاشته‌ام که یک وقت بتوانم تعدیل کرده خود را جرح نمایم. لهذا عرض می‌کنم که این ملت با هیچ سلطانی برادر خواندگی ندارد، فقط تشنه عدلند. حضرت همایونی طوری مدارا با اختیار و معامله با اشرار فرمایند که مردم گمشده خود را جز در آن درگاه نیابند و ما سنخ بشر هر قدر بخواهیم افکار خود را در جاده عدل و اعتدال حرکت داده از پیش خود تمییز عدل و ظلم بدهیم بسا می‌شود که عین ظلم را عدل می‌نامیم و عین عدل را ظلم. پس میزان و مقیاسی لازم است که با آن مقایسه می‌توانیم خود را از همه نوع خطا و لغزش نگه داریم و آن میزان «مستقیم و آن قسطاس»^۱ قویم جز شرع شریف نبوی نیست و بهتر می‌دانید که سلوک در این مسلک به غیر از قدم زهد و تقوا کار هر قدم نیست، پس خدا را به حفظ شما و شما را به حفظ آمین خدا دعوت نموده، عریضه‌ام را ختم می‌کنم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. سید جوکار تخم دعای می‌افشانند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. نیکبها به دست توست و تو بر هر کاری توانایی.

۱. اشاره به آیه ۲۶ شعرا «و زنوا بالقسطاس المستقیم» (و با ترازوی درست وزن کنید).

پرتال بیتی علم سانی

گزارشی

- نخستین حضور کتابداران و.../ عنایت الله مجیدی
- ادبیات معاصر افغانستان (۴)/ محمد حسین محمدی